

## آرته



**صدای پوپولیسم پشت‌دروازه‌های جهانی**

● **محمدعلی وکیلی:** الگوی متعارف «سیاست» در جهان در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. پوپولیسم به عنوان رقیب سیاست، هر روز از گوشه‌های از جهان سر برمی‌آورد. این جنبش در کشورهای اروپایی مانند مجارستان، ایتالیا، لهستان به قدرت راه یافته است. در آمریکا هم که کاخ سفید را تسخیر کرده است و اخیرا هم برزیل به دست پوپولیست‌ها افتاده است. قصه از این هم بغرنج‌تر است. نظرسنجی‌ها خیر از این می‌دهد میزان طرفداران شعارهای پوپولیستی در میان مردم جهان، بسیار بیشتر از میزان قدرتی است که پوپولیست‌ها کسب کرده‌اند! بدین معنا که در سایر کشورهای اروپایی هرچند هنوز قدرت به دست پوپولیست‌ها نیفتاده اما این جنبش پایگاه بزرگ اجتماعی در آن کشورها پیدا کرده است.

اخیرا هم «خان بولسونارو» با آرای خیره‌کننده‌ای رئیس‌جمهوری برزیل شد. کسی که رسانه‌ها او را «ترامپ کوچک» می‌نامندش. شباهت شعارهای او و ترامپ به‌قدری است که توصیف «ترامپ برزیل» به‌راحتی به او چسبیده است. در سایر جهان موج پوپولیسم راه افتاده است چندان‌که «استیو بنان» یکی از مدافعان پوپولیسم صراحتا از امید خود برای اینکه آینده سیاست به دست پوپولیسم بیفتد می‌گوید. در واقع، شیوع پوپولیسم ترامپی آینده سیاست را تهدید می‌کند. نوعی از پوپولیسم که پهلو به فاشیسم می‌زند و می‌توان آن را نئوفاشیسم نامید. به‌راحتی برای حرف‌های تبعیض‌آمیز و ضدانسانی هورا کشیده می‌شود. علیه اصول مسلم انسانی سخن گفته می‌شود و نه‌تنها رسوایی به‌بار نمی‌آید بلکه تشویق حاضران را هم در پی دارد! ذائقه بشر به‌طرز عجیب تغییر کرده است و نهاد سیاست به‌راحتی کوفته می‌شود. همه می‌دانیم که «سیاست» با همه کم‌وکاست آن، سد راه خشونت است. عبور از آن چشم‌اندازی دلپهراقرین از امنیت جهانی به‌دست می‌دهد. شوربختانه می‌توان صدای پای پوپولیسم را پشت درب‌های ایران هم شنید. ما نیز با خطر پوپولیسم مواجه هستیم. با اتفاقاتی که دارد می‌افتد و عقلائیتی که عزلت‌گزیده است، هیچ بعید نیست سرنوشت ۱۴۰۰ ما نیز پوپولیسم باشد.

## دست‌اندرز

**بتن‌ریزی درروزنه‌های مذاکره**

● **مهدی محمدی:** امریکایی‌ها – با مشورت‌هایی که کودکانی مانند منافقین به آنها داده بودند– تصور می‌کردند جامعه ایرانی در آستانه آشوب است و فشار اقتصادی به‌اضافه فرستادن تیم‌های خرابکار به ایران، می‌تواند در زمان کوتاهی کل کشور را در آشوب فرو ببرد. این پروژه هم که محصول ذهن عقب‌مانده سعودی و منافقین بود، کاملا ناکام ماند. مردم ایران به‌هیچ‌وجه این جمع‌بندی را ندارند که آشوب، وضع اقتصادی آنها را بهتر خواهد کرد. از این مهم‌تر، مشاهده مستقیم دست‌عامل خارجی به‌ویژه کسانی مانند ترامپ و پمپئو که نوعی نفرت عمومی از آنها در ایران وجود دارد، خود به یک مانع ذهنی جدی بر سر راه هرگونه آشوب‌طلبی و ساختارنکنشی تبدیل شده است. جنبه احقانه راهبرد امریکا این بود که از جامعه ایرانی می‌خواست امنیت خود را پیش پای وعده موهوم بهبود اقتصادی قربانی کند. مشاوران دولت امریکا که به آن باوردارند بودند جامعه ایرانی آماده آشوب است حتی این مقدار عاقل نبودند که ببیندند وقتی طبقات ضعیف تحت فشار اقتصادی قرار دارند، انگیزه کمتری برای آشوب و ناامنی خواهند داشت، چراکه هر نوع بی‌ثباتی گسترده می‌تواند همین درآمد و وضع زندگی فعلی را هم به خطر بیندازد.

## ایران

**ضرورت بیگیری قاطع درفضیه دانمارک**

● از هسان زمان که فضیه خاشقچی پیش آمد، بسیاری از مظلمان تذکر می‌دادند که دولت و حکومت مواظب باشند که دست‌های پیدا و پنهان خواهند کوشید سناریویی را علیه ایران ایجاد کنند تا بلکه بتوانند افکار عمومی را از جنایت عربستان منحرف کرده و از سوی دیگر به روابط ایران و اروپا نیز ضربه بزنند. مطابق انتظارات سناریوی مذکور در دانمارک کلید خورد و جالب اینکه برخلاف قتل خاشقچی که یک جنایت تمام‌عیار و روشن بود و از ابتدا هم همه کمیابیش می‌دانستند که چه اتفاقی رخ داده، ولی اروپاییان مدت‌ها طول کشید که درباره آن موضع‌گیری به نسبت صریحی کنند. این‌بار که هیچ اتفاقی رخ نداد اما مدعی‌اند که یک فترد نئوزی – ایرانی‌! از رهبر گروه تروریستی الاوحازبه عکس گرفته است! بلافاصله همه منتق‌القول شدند که دولت ایران پشت این اقدام است!!

... با همر معیاری که اتحادیه اروپا قبول کند، گروه الاوحازبه و رهبرش یک گروه تروریستی محسوب می‌شود. حتی تروریست ذلیل هستند که کار داعش را به نام خود اعلام کردند! بنابراین آنان هستند که باید بگویند چرا و به چه علت افراد تروریست را پناه می‌دهند؟ اگریک کشور خاورمیانه‌ای یک نفر از داعش اروپایی را پناه دهد، چه برخوردی با آن خواهند کرد؟ بنابراین روشن است که ماهیت این ماجرا چیست. ولی نکته اصلی ماجرا، حضور اسرائیل در این قضیه است. می‌دانیم دستگاه اطلاعاتی اسرائیل از نظر اجرای این قبیل عملیات بسیار بدسابقه است. بنابراین کل ماجرا را می‌توان سناریویی تل‌آویو برای کاهش ضربه به عربستان تلقی کرد.

politics@sharghdaily.ir

## سیاست



عکس:پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

**مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان:**

# نشانه‌های آشکار افول قدرت آمریکا؛ ایران قوی و پیشرفته‌تر شده است

می‌گویند تحریم‌ها، اقدامی جدید ضد ایران است، در واقع کلاه‌گذاشتن بر سر خود یا ملت آمریکاست؛ زیرا موضوع تحریم از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشته است.

**ادعای جدیدبودن تحریم‌ها نادرست است**

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی دیگر از ابزارهای آمریکا در چالش ۴۰ساله با ایران را استفاده از «جنگ رسانه‌ای» دانستند و گفتند: جنگ رسانه‌ای آمریکا به معنای دروغ‌پراکنی، فتنه‌انگیزی، ترویج فساد و تحریک افراد از ابتدای انقلاب اسلامی وجود داشته که البته امروز با استفاده از فضای مجازی، شیوه‌های آن جدیدتر شده است.

ایشان در جمع‌بندی این بخش از سخنانشان خاطرنشان کردند: در چالش ۴۰ساله آمریکا و ایران حقیقت مهمی وجود دارد که گاهی از دیده‌ها پنهان می‌ماند و آن اینکه، طرف پیروز در این چالش، جمهوری اسلامی ایران و طرف مغلوب، آمریکا بوده است. مقام معظم رهبری در بیان دلیل این موضوع افزودند: هدف اصلی آمریکا در چهار دهه اخیر سیطره مجدد بر ایران بود اما با وجود همه تلاش‌ها و توطئه‌ها، نتوانسته است به این هدف دست پیدا کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تاکید کردند: امروز تنها کشوری که آمریکا کوچک‌ترین نقشی در تصمیمات آن ندارد، جمهوری اسلامی ایران است و این، به معنای شکست آمریکاست.

ایشان هدف اصلی آمریکا از تحریک صدام برای تحمیل جنگ هشت‌ساله به ایران را شکست و بی‌آبروکردن نظام اسلامی در دنیا برشمردند و تاکید کردند: ایران در جنگ‌های ۲۰۰ سال گذشته همواره شکست خورده بود اما در جنگ سه‌ساله توانست طرف مقابل را شکست دهد و یک وجب از خاک کشور به دست بیگانه نیفتد. رهبر انقلاب اسلامی، هدف آمریکا از جنگ و تحریم اقتصادی در ۴۰ سال گذشته را فلج‌کردن و عقب‌نگه‌داشتن کشور دانستند و افزودند: در جنگ اقتصادی نیز آنچه اتفاق افتاده، برخلاف خواست آمریکاست زیرا حرکت به سمت خودکفایی و تولید در داخل، سرعت گرفته و امروز صدها گروه فعال از جوانان خوش‌فکر دانشگاهی مشغول فعالیت‌ها و کارهای مهمی در کشور هستند.

ایشان سپس به شرایط خامنه‌ای در جهان اشاره کردند و افزودند: در یک نگاه وسعج‌تر، قدرت و اقتدار و همینه آمریکا در دنیا، رو به افول و زوال است و آمریکای امروز به‌مراتب ضعیف‌تر از آمریکای چهار دهه قبل است.

مقام معظم رهبری با اشاره به ادعان بسیاری از سیاستون و جامعه‌شناسان معتبر دنیا مبنی بر فرسوده‌شدن و ازبین‌رفتن «قدرت نرم» آمریکا گفتند: قدرت نرم آمریکا به معنای «اقناع و قبولاندن نظر خود به کشورهای دیگر»، اکنون در ضعیف‌ترین موقعیت ممکن قرار دارد و به‌خصوص از زمان روی‌کارآمدن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا نه‌تنها ملت‌ها بلکه دولت‌های اروپا، چین، روسیه، هند، آفریقا و آمریکای لاتین نیز با تصمیم‌های آمریکا صراحتا مخالفت می‌کنند.

**ترامسپ باقی‌مانده آبروی آمریکا را برده؛ دولت‌های دنیا با هر تصمیم او مخالفت می‌کنند**

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: اکنون نه‌تنها اقتدار معنوی و قدرت نرم آمریکا رو به افول است بلکه اقدامات رئیس‌جمهور عجیب‌وغریب فعلی آمریکا، «لیبرال‌دموکراسی» را نیز که پایه تمدن غرب است، بی‌آبرو کرده است. ایشان با اشاره به سخنان چندین سال قبل یک محقق معروف دنیا مبنی بر اینکه وضع کنونی آمریکا، «قطعه نهایی تکامل تاریخی بشر است»، گفتند: همین جامعه‌شناس، اکنون سخنان قبلی خود را پس گرفته و مطالبی بیان می‌کند که نشانگر ضعف و افول

آمریکا و لیبرال‌دموکراسی است. مقام معظم رهبری، «قدرت سخت» آمریکا در زمینه‌های نظامی‌گری و اقتصاد را نیز رو به افول خواندند و افزودند: آنها ابزار نظامی دارند اما به علت افسردگی، سردرگمی و تردید سربازانشان مجبورند از سازمان‌های جایگزاری نظیر بلک واتر برای تحقق اهدافشان در کشورهای دیگر کمک بگیرند.

ایشان بدهی افسانه‌ای آمریکا و کسری بودجه ۸۰۰میلیارددلاری این کشور در سال جاری را از نشانه‌های روند زوال اقتصادی آمریکا برشمردند و خاطرنشان کردند: آنها این واقعات را با ظاهرسازی و شعار می‌پوشانند اما در زیر این زرق‌وبرق، افول اقتصادی مشهود است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با جلب توجه کشورهای منطقه به واقعت افول آمریکا افزودند: کسانی که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله فلسطین را به‌کلی به فراموشی بپسارند، متوجه باشند که آمریکا حتی در منطقه خودش هم رو به زوال است اما ملت‌های این منطقه و حقایق آن، زنده و پابرجا هستند.

مقام معظم رهبری استمرار روحیه استقلال‌طلبی در جوانان ایران با هر تفکر و رفتار، را از دیگر نشانه‌های شکست آمریکا دانستند و افزودند: آنها با همه تلاش امپراتوری خبری و رسانه‌ای خود توانسته‌اند احساس تنفر و روحیه استقلال‌طلبی و مقاومت در مقابل بیگانگان سلطه‌طلب را در جوانان این سرزمین از بین ببرند، به‌گونه‌ای که نسل جوان کنونی از لحاظ انگیزه ایستادگی و مقاومت اگر از نسل اول انقلاب جلو نباشد حتما عقب نیست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به رسوخ روحیه استقلال‌طلبی جوانان ایرانی در کشورهای دیگر افزودند: مردم و جوانان عراقی، سوری، لبنانی، افغانستانی، پاکستانی و کشورهای دیگر به علت سیطره‌طلبی و اهانت‌های آمریکا از آن متنفر هستند اما مقامات آمریکایی تاوان از درک علل این تنفر، آن را از چشم ما می‌بینند.

مقام معظم رهبری در همین زمینه افزودند: آمریکا‌ها ما را تهدید می‌کنند و بیغام می‌دهند که اگر جوانان فلان کشور به نیروهای ما یا طرفداران ما حمله کنند ایران را مقصر می‌دانیم اما ما می‌گوییم شما غلط می‌کنید ایران را مقصر می‌دانید بلکه باید به اقدامات تنفربرانگیز خودتان در آن کشورها نگاه کنید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری افول آمریکا به کسانی که به سازش با آمریکا گرایش دارند، افزودند: بیهوده نقشه بی‌اساس و بی‌پایه نکشید، زوال آمریکا یک واقعیت است.

ایشان عوامل افول شیطان بزرگ را بلندمدت و مریوط به عملکرد سلطه‌طلبانه آن در طول تاریخ این کشور دانستند و تاکید کردند: بر اساس سنت الهی، آمریکا محکوم است که از صحنه قدرت جهانی زایل بشود. مقام معظم رهبری پس از ترسیم اوضاع آمریکا به‌عنوان یکی از دو طرف چالش عمیق و مستمر آمریکا–ایران خاطرنشان کردند: در سمت دیگر این چالش می‌توان بدون مبالغه و بزرگ‌نمایی نشانه‌های پیشرفت و قوی‌ترشدن را در طول ۴۰ سال اخیر مشاهده کرد. ایشان حضور فعال صدها گروه جوان، خوش‌استعداد، مبتکر و باهمت را در زمینه‌های مختلف فکری– عملی و فناوری، نشانه آشکار حرکت جدی جمهوری اسلامی در روند استقلال صنعتی و سیاسی خواندند و افزودند: این جوانان به فکر رئیس‌شدن و وزارت و وکالت نمی‌شاهده کرد. ایشان حضور فعال صدها گروه جوان، خوش‌استعداد، مبتکر و باهمت را در زمینه‌های مختلف فکری– عملی و فناوری، نشانه آشکار حرکت جدی جمهوری اسلامی در روند استقلال صنعتی و سیاسی خواندند و افزودند: این جوانان به فکر رئیس‌شدن و وزارت و وکالت نمی‌شاهده کرد. ایشان حضور فعال صدها گروه جوان، خوش‌استعداد، مبتکر و باهمت را در زمینه‌های مختلف فکری و لب‌خند دروغین دشمن را ضروری خواندند و یادآوری کردند: آمریکایی‌ها گاهی می‌گویند با ملت ایران

مشکلی نداریم و تحریم‌ها علیه مردم نیست بلکه با دولت ایران دچار چالش هستیم اما این یک دروغ فضاحت‌بار است چون دولت ایران بدون ملت کاره‌ای نیست و آنها با حضور و اراده ملت دشمن‌اند. مقام معظم رهبری در پاسخ به این سؤال که ایستادگی و دشمنی ملت ایران با آمریکا تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، افزودند: وقتی آمریکا سیطره‌جویی خود را کنار بگذارد می‌شود با او مانند دیگر کشورها تعامل کرد اما این مسئله بعید است چون ذات استکبار، سلطه‌جویی و سیطره‌طلبی است. دومین توصیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جوانان، «ترویج و تبیین نظریه مقاومت» بود.

ایشان نظریه «مقاومت در مقابل دشمن قوی‌پنجه» را هم در مقام نظر، هم در جایگاه عملی، نظریه‌ای منق و صحیح خواندند و افزودند: جوانان محیط‌های مختلف هدف اصلی استکبار یعنی سلطه‌طلبی را تبیین کنند تا ضرورت و صحت نظریه مقاومت، به‌خوبی نمایان و درک شود. مقام معظم رهبری افزودند: از نظر عملی نیز ما مقاومت را ححق جوانان عراقی، سوری، لبنانی، کشورهای شمال آفریقا، شبه‌قاره و دیگر مناطق می‌دانیم و تقویت این جریان‌ها تقویت نظریه مقاومت است.

حضرت آخ‌ر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جوانان عزیز ایران، «احساس مسئولیت در قبال موضوع پیشرفت کشور» بود.

ایشان، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» در ۵۰ سال آینده را که برای پخته‌شدن و تکمیل در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفته، برنامه‌ای فکرشده برشمردند و افزودند: جوانان خود را بخوشی از این نقشه وسیع ۵۰ ساله بدانند و برای ایفای نقش بر اساس مقتضیات زمان در عرصه‌های علمی، فناوری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آماده باشند. مقام معظم رهبری قطع وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی را از دغدغه‌های همیشگی خود و اقتصاددانان خواندند؛ جوانان مؤمن و اهل فکر و عمل را به ارائه راه‌حل در این زمینه دعوت کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه مدل پیشرفت ایران از الگوهای توسعه‌غربی اخذ نشده است، افزودند: ما از دانش و فناوری روز حداکثر استفاده را می‌بریم اما می‌دانیم که مدل‌های غربی برخلاف زرق‌وبرق ظاهری، باطنی مشکل‌آفرین دارند و کشورهای مختلف را با دشواری و بدبختی روبه‌رو کرده‌اند. ایشان همت جوانان برای حل مسائل را نیاز اصلی کشور خواندند و تاکید کردند: جوانان بدون «تسر و تنبلی» ابتکار و نوآوری را سرلوحه تلاش خود قرار دهند و با غیرت و تعصب ملی، وظایفشان را در پیشرفت و سعادت و افتخار ملت و امنیت کشور ایفا کنند.

مقام معظم رهبری مسئولان را نیز به جدی‌گرفتن جوانان پرتانگیز و استقبال واقعی از آنان فراخواندند و گفتند: گاه دیده شده که برخی دستگاه‌های ذی‌ربط به کارهای خوب، برجسته و راهگشای جوانان کمک نمی‌کنند. مقام معظم رهبری در جمع‌بندی سخنانشان تاکید کردند: بدون تردید آینده کشور درخشان و به‌مراتب بهتر از امروز است و اگر ملت با همین روحیه و انگیزه پیش برود، ایران عزیز در آینده‌ای نه‌چندان دور به اوجی می‌رسد که در تعاملات جهانی دست برتر را داشته باشد و جوانان، این پیشرفت‌ها را به‌خوبی درک کنند و انقلاب ایجاد می‌شود تجربه کنند.

پیش از سخنان مقام معظم رهبری، آقایان محمدصابر باغخانی و مرتضی عزیزی، نمایندگان دانشجویان و دانش‌آموزان، با بیان نظرات و دیدگاه‌های خود بر لزوم ایستادگی در مقابل توطئه‌های استکبار با روحیه انقلابی و تکیه بر ظرفیت‌های جوانان کشور تاکید کردند.

## ادامه از صفحه اول

## ۱۳ آبان و تحریم‌های آمریکا

به‌گونه‌ای که ایرانیان به ایرانی‌بودن خود افتخار کنند و مردم دنیا، به‌ویژه همسایگان، به هر ایرانی احترام بگذارند و ایران را کشوری علمی، پیشرفته، بافرهنگ و دارای فناوری‌های بالا تلقی کنند. برای نیل به چنین هدفی باید حرکت به سوی رعایت شاخص‌های «حکمرانی خوب» در دستور کار حاکمیت ایران قرار گیرد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: «پاسخ‌گویی حاکمیت»، «ثبات سیاسی»، «اثربخشی دولت»، «کیفیت قوانین و مقررات»، «حاکمیت قانون» و «کاهش فساد».

فآعتبروا یا اولی الایصار

### شیفتگان ساده‌سازی اقتصاد

بعید است جناب دکتر نیلی منکر پدیده انتظارات شوند چون در بخش دیگری از مقاله‌شان درباره ارز و نرخ ارز بارها به تأثیر آن اشاره کرده‌اند. ۲- جناب دکتر نیلی در بخشی از مقاله خود درباره نقد مخالفان به‌عملکرد بانک‌های خصوصی از پیش‌بینی این مسئله در برنامه سوم دفاع کرده‌اند و مشکلات به‌وجودآمده را ناشی از تحقق‌نیافتن سیاست‌های جانبی پیش‌بینی‌شده و عدم هماهنگی تصمیم‌های اقتصادی در دوره‌های بعدی دانسته‌اند و نوشته‌اند: «این شکل از استدلال درخصوص بانک‌های خصوصی مشابه آن است که فردی علت طلاق را ازدواج بداند. به این دلیل که نقطه آغازینی که منجر به طلاق شده ازدواج بوده است، بدون آنکه تحولات طی‌شده در دوره میانی را بررسی کند». این مثال ازدواج و طلاق شاید عوام‌پسندانه باشد، اما این سؤال مهم مطرح است که اگر ازدواجی بدون مطالعه و بدون توجه به مسائلی مانند کفویت و تفاوت‌های سنی، فرهنگی، تحصیلی، طبقاتی و سایر مسائل نهادی دو طرف و نیز به‌گونه‌ای انجام شود که تمام عقلا و بزرگان فامیل مخالف آن باشند و پیش‌بینی کنند که به جدایی منجر خواهد شد آیا چنین ازدواجی علت طلاق نیست؟ آیا آنچه این سیاست را ناکارآمد کرد، قابل پیش‌بینی نبود و هیچ‌کس نگفته بود و نوشته بود؟ زورف استیگلیتز، معاون سابق بانک جهانی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان حال حاضر جهان با گرایش نهادگرایی، می‌نویسد: «سیاست اقتصادی نباید طوری تنظیم شود که فقط بر یک دنیای آرمانی قابل اطلاق باشد، بلکه باید در دنیا به همان ترتیبی که هست قابل اجرا باشد. سیاست‌ها باید فقط با توجه به اینکه ما چگونه آنها را در یک دنیای آرمانی اجرا می‌کنیم، بلکه با توجه به اجرای آنها در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، تنظیم شوند». (جهانی‌سازی و مسائل آن ترجمه حسن کلریز– نشر نی، صخه ۲۳۷)

۳- جناب دکتر نیلی در قسمت پایانی و جمع‌بندی، اقتصاددانان نهادگرا را بدون ارائه هیچ مستندی به نظراتی مهم کرده‌اند که اغلب هیچ ارتباطی با آنها ندارد و شاید دوستان دیگری به آن بپردازند، اما اشاره بسیار جالب و درعین‌حال حیرت‌آوری دارند به اینکه سیاستمداران شیفته نظرات نهادگراها یا به تعبیر ایشان مدعیان نهادگرایی هستند. آنچه تاریخ ۳۰ساله گذشته

و دوران بعد از جنگ به‌وضوح نشان می‌دهد، دقیقاً عکس آن چیزی است که ایشان فرموده‌اند. در این ۳۰ سال کسانی که نگاه علوم دقیقه و نگاه مهندسی و مکانیکی به اقتصاد نداشته‌اند، روزبه‌روز بیشتر طرد و منزیو شده‌اند و در دوره انزوای سیاسی و انزوای تأثیرگذاری بر سیستم تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اقتصادی، از نعمت واگذاری پروژه‌های مطالعاتی بزرگ و جذاب نیز برخوردار نبوده‌اند! شواهد نشان می‌دهد مدیرانی که کنشش تحلیل‌های پیچیده را ندارند و به‌ویژه مدیران مهندس، شیفته ساده‌سازی اقتصاد و برقراری روابط مکانیکی و اهرمی و ساده‌انگارانه میان پدیده‌های مرتبط با انسان و جامعه بوده‌اند، بنابراین همواره کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها را در صدر نشانده‌اند. این‌جانب چندی پیش در ارائه تحلیلی در رابطه با «آسیب‌شناسی دلایل اجرایی نشدن طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی»، که خسارات زیادی را به کشور وارد کرده است، یکی از دلایل هشت‌گانه را وسوسه طرفداران راه‌حل قیمتی و شوک‌درمانی دانستم که صاحبان این تفکر دائمی این وسوسه را در مدیران سطحی‌نگر برانگیخته‌اند که در مقابل سختی‌ها و پیچیدگی‌های راه‌حل غیرقیمتی، با دست‌کاری قیمت‌های انرژی و از طریق شوک‌درمانی می‌توان مسئله را به سادگی حل کرد، درحالی‌که حتی تجربه جهانی هم نظیر ایشان را تأیید نمی‌کند.

به‌هرحال اینکه جناب دکتر نیلی در ابتدای نوشتارشان اذعان دارند که: «یکی از زیان‌بارترین می‌دهند؟ اگریک کشور خاورمیانه‌ای یک نفر از داعش اروپایی را پناه دهد، چه برخوردی با آن خواهند کرد؟ بنابراین روشن است که ماهیت این ماجرا چیست. ولی نکته اصلی ماجرا، حضور اسرائیل در این قضیه است. می‌دانیم دستگاه اطلاعاتی اسرائیل از نظر اجرای این قبیل عملیات بسیار بدسابقه است. بنابراین کل ماجرا را می‌توان سناریویی تل‌آویو برای کاهش ضربه به عربستان تلقی کرد.